

فصلنامه علمی مطالعات ادبیات شیعی  
سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۴۰۱

## میرزا احمد ملال دزکی پیشگام نگاه عرفانی در ادبیات عاشورایی

مهردی طهماسبی<sup>۱</sup>

### چکیده

میرزا احمد ملال دزکی، شاعر قرن دوازدهم و سیزدهم هجری، سخنوری توانا و در عین حال ناشناخته در حوزه ادبیات آیینی به ویژه عاشورایی است. دیوان اشعار او سرشار از سوگ سروده‌ها و مراثی جانسوز و زیبایی است که ارادت و دلباختگی اش را به اباعبدالله الحسین<sup>(ع)</sup> نشان می‌دهد. شاید بزرگ‌ترین ویژگی شعری میرزا احمد ملال را باید در اشعار عاشورایی و سوگ سروده‌های ماندگار او جست وجو کرد. حدود هفتاد درصد از دیوان اشعار ملال را مراثی و غم‌ناله‌هایش تشکیل می‌دهند. یکی از ویژگی‌های مرثیه‌های وی، داشتن نگاه عرفانی و استفاده از ظرفیت مطالب و رویکردهای عرفانی برای اندیشه‌های عاشورایی و حوادث جانسوز روز دهم و نهضت خونین حسینی است. در بند نخستین یکی از ترکیب‌بندهایش، میرزا ملال، نگاهی نو به مخاطب اشعار عاشورایی عرضه می‌کند؛ آنچه که باید پیش‌گامی او را در ارائه نگاه عرفانی و عاشقانه‌اندیش به عاشورا تأیید نموده و نشان می‌دهد که او پیش از صفوی علیشاه اصفهانی و میرزانورالله عمان سامانی به این رویکرد توجه داشته است.

واژه‌های کلیدی: ملال دزکی، نگاه عرفانی، ادبیات عاشورایی، مراثی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شهرکرد. tahmaseby85@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

## ۱. معرفی کوتاه ملال و خاندانش

یکی از شعرای توانا و در عین حال ناشناخته ادب فارسی، مرحوم ملال دزکی است. درباره ملال، اطلاعات تاریخی اندکی وجود دارد و بیشتر ارباب تذکره‌ها و شرح حال نویسان از او یادی نکرده‌اند و صرفاً اهالی اهل ادب خطه دزک، از این شاعر دل سوخته نامی آورده و درباره او مطالبی نوشته‌اند؛ «نامش میرزا احمد، متخلص به ملال، فرزند ملا عبدالصمد و زادگاهش قریه دزک می‌باشد» (شايان، ۱۳۷۸: ۱۱۳۵). در باب سال تولدش، در هیچ یک از منابع اشارتی نرفته است؛ اما با توجه به قطعه شعری که مرحوم عمان سامانی در کتاب مخزن الدربه نقل از کتاب مجمع الانساب پدرش میرزا عبدالله ذره سامانی از جد ملال، زنده‌یاد ملاحسین کرچگانی نقل نموده، قطعاً تولد میرزا احمد ملال باید بعد از سال ۱۱۷۳ هـ.ق باشد.

دو فرزندم کرامت کرده او با طالع فرخ  
یک از هاشم، یک از عبدالصمد مانند دو گوهر

عطای بنمود اندر دو جمادی آن دو گوهر را  
به سال یک هزار و یک صد و هفتاد و سه داور

الهی، در جهان باشند دائم با ادب مدغم  
الهی، در زمان باشند دائم با هنر مضمر

به دین احمد مرسل به منهج علی، یا رب  
یقین هر دوشان صادق کنی در مذهب جعفر

(عمان سامانی، ۱۳۸۷: ۱۷۰)

## ۱- خاندان ملال

خاندان ملال اهل علم و ادب بودند و به تصریح عمان سامانی که خود از جانب مادری از این خاندان بوده، ملا حسین کرچگانی شاعری اهل فضل بوده است. پدر میرزا احمد ملال، شخصیتی است فرهیخته به نام «حجت‌الاسلام آخوند ملا عبد‌الصمد ملالی از علمای دینی و مروجین مذهبی در منطقه کیار در ۲۵ کیلومتری شهرکرد که صاحب تألیفاتی نیز بوده که متأسفانه در گذر ایام مفقود گردیده است» (ملال، ۱۳۷۹: ۱۹). ملا عبد‌الصمد ملالی که از ذوق شعری بهره‌مند بود، «وقت راغیمت شمرده، باده‌ای از ساغر عرفان چشیده و ریاضت تحصیل هرگونه علم کشیده و صاحب ذهن کافی و مدرک صافی بوده و همچون پدرش، اهل شاگردپروری و مکتب داری بوده و به قول میرزا عبدالله ذره سامانی، چند سال است از باب شخصیت او به تأثیب و تعلیم اطفال اشتغال داشته» (عمان، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

ملا عبد‌الصمد ملالی ۷۵ سال عمر کرد و «تولدش در سنه ۱۱۴۵ هـ ق. و وفاتش در سال ۱۲۲۰ هـ ق. اتفاق افتاده است» (بنی طالبی، ۱۳۸۹: ۲۵۷) و به قول ذره «دست از این سرای سپنج سراسر محنت و رنج، شسته و در سرمنزل جاودان مأوا جسته رحمه‌الله علیه، مدفنش در جوار پدر می‌باشد» (عمان، ۱۳۸۷: ۱۷۱). در باب آثار و اشعار او، ظاهرآ به گزارش ذره سامانی در مجمع‌الانساب وی «كتابی موسوم به حسن دلف در بحر مثنوی، حسب‌الخواهش همت مرحوم به نظم درآورده. الحق همت بزرگی کرده. كتابی است دلپسند و تازه؛ بلکه عروسی مستغنی از وصمیت و سمية و غازه» (همان، همان‌جا) و دردا و دریغا که این مثنوی زیبا و ارزشمند «از قرار معلوم به دست مغلسی بی‌مایه افتاده و در قحط‌سالی آن را با مقداری ارزن مبایعه و مبادله نموده است» (بنی طالبی، ۱۳۸۹: ۲۵۷).

## ۲-۱. زادگاه ملال

روستای ذک که زادگاه میرزا احمد ملال عنوان شده، روستایی است خوش آب و هوا با فرهنگی درخشان که در سال ۱۳۸۵ ۳۵۰۰ نفر جمعیت داشت. مردم روستای ذک به زبان فارسی سخن می‌گویند و مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند. این روستا در فاصله ۳۵ کیلومتری شهرکرد، مرکز استان چهارمحال وبختیاری قرار دارد که در روزگار قاجاریه، مقر حکومتی لطفعلی خان امیر مفخم، از حاضرین و تأثیرگذاران خوانین بختیاری در مشروطه و فرزندانش بود و هنوز قلعه تاریخی آن، یادگار روزهای حضور این خان در ذک است. مرحوم مظفر بختیار بر این باور است که:

«ذک در فصل‌های مناسب، میعادگاه شاعران و هنرمندان شهرنشین و روستاپرور می‌گردید. اوقات خوش و ایام فرح بخشن و دلگشای اقامات را در گلگشت و تماشا با بنم شعر و ادب پژوهش و بارور می‌ساختند. طی همین ملاقات‌ها و محفل‌ها در واقع تشکیل درسگاه‌های ادبی سیار بود که صاحبان قریحه و سرایندگان مستعد محلی چون میرزا احمد ملال ذکی متوفی ۱۲۸۰ هـ.ق در محیطی ساده و بدون تکلفات و داعیه‌های ادب تعلیمی اهل مدرسه از مبشرین بهره‌های واقعی و کارآمد ذوقی و ادبی برخوردار می‌شدند» (ملال، ۱۳۷۹: ۱۶).

## ۳-۱. شغل ملال

میرزا ملال در اشعارش از شغل خویش حرفی به میان نیاورده است؛ اما شغل و پیشه‌اش را این‌گونه نوشت: «وی سالیان دراز در قراء ذک، گهره و بلداجی به شغل مکتب‌داری و نشر معارف مشغول» بوده است (شایان، ۱۳۷۸: ۱۱۳۵). وی در سیاری از مناطق منبر وعظ و خطابه داشته و در راه گسترش و نشر معارف اسلامی و آموزه‌های متعالی دین مبین اسلام، از جان و دل می‌کوشیده است.

در کتاب شغل مکتب‌داری و پژوهش شاگردان که امری خانوادگی و موروثی و برای

وی افتخاری بوده، همچون بسیاری دیگر از بزرگان و شاعران صاحب‌نام عصر صفویه و قاجاری نظیر وصال شیرازی، با توجه به بهره‌مندی از خط نیکو، چشم‌نواز و به تعبیر اهل فن هفت قلمی، قرآن می‌نگاشته و به استنساخ و رونویسی نسخ کاربردی و علمی مشغول بوده است و «چند جلد کتاب دست‌نویس از خود جای گذاشته است. از جمله کتابی به نام اربعین که تاریخ تحریر آن، شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۵ من الهجرت النبوی می‌باشد» (ملال، ۱۳۷۸: ۵) و این نگارش تا آخرین روزهای عمر بابرکتش ادامه داشته است.

#### ۴-۱. وفات ملال

میرزا احمد ملال حدود یک قرن عمر کرد. تاریخ وفاتش را بیستم ماه رمضان سال ۱۲۷۵ هـ.ق. نوشته‌اند؛ هرچند دکتر مظفر بختیار این تاریخ فوت را سال ۱۲۸۰ هـ.ق. عنوان کرده است (ملال، ۱۳۷۹: ۱۲) وی بعد از وفات، در قبرستان قدیمی روستای دزگ دفن شد.

#### ۲. آثار ملال

میرزا احمد ملال دزگی شاعر پرکار و خوش‌سخنی بود و آثار و اشعار فراوانی از خود به یادگار نهاده است. در ادامه آثار وی معرفی و بررسی خواهد شد.

#### ۱-۲. دیوان اشعار

در سال ۱۳۷۹ هـ.ش. دیوانی از میرزا ملال دزگی به کوشش یکی از نوادگانش به نام مصطفی ملالی، منتشر شده که بیشتر حاوی غزلیات، مرثیه‌ها، سوگ‌سروده‌ها و چکامه‌های آیینی اوست و می‌توان گفت این کار مشوش و پرغلط، فقط تلاشی است برای محفوظ ماندن این اشعار و سروده‌ها از دستبرد تطاول و دست‌اندازی روزگار و حرکتی است که این آثار را از خطر نابودی رهانیده و در صحیفهٔ ماندگاری ثبت و

ضبط نموده است؛ والا ضرورت داشت که این آثار تفکیک شده و شناخت نامه‌ای در خور این شاعر تلاشگر، مخلص و اهل دل ترتیب داده شود و اشعار به جامانده از وی، دسته‌بندی و با دقیق نظر در اختیار اهل ذوق قرار داده شود.

### ۱-۲. غزلیات

غزلیات به جامانده از میرزا ملال که سال‌ها بعد از فوتیش در مجموعه‌ای به نام انیس العشاق گردآوری و تدوین شد، در بردارنده ۱۷۰ غزل اوست که تا قافیه‌های ختم شده به میم را شامل می‌شود و کامل نیست.

### ۲-۱. قصاید و رباعیات

قصاید و چامه‌ها و مسمط‌ها شامل سروده‌های مدحی و ستایش‌سروده‌هایی در مدح و منقبت ائمه معصومین<sup>(۴)</sup> با حال و هوای قصاید سبک خراسانی و همچنین تعداد ۳۰ رباعی است.

### ۳-۱-۲. ترکیب بندها

در میان اشعار میرزا ملال، سه ترکیب بند وجود دارد که به پیروی از مرحوم محتشم کاشانی سروده است. دو تا از این ترکیب‌بندها مشخص و یکی دیگر به صورت پراکنده در دیوان آن مرحوم وجود دارد. نخستین اثر منتشرشده از میرزا ملال هم ترکیب بندی است که در سال ۱۳۷۷ ه.ش. به اهتمام آقای علی‌رحم شایان در انتشارات فرخ شهر منتشر کرده است

### ۴-۱-۲. مثنوی مرثیه

ظاهر آنچه در دیوان منتشرشده ملال موجود است، باید منظومه‌ای مجزا و به هم پیوسته

با ۶۵ بیت در بحر رمل و بروزن مثنوی مولانا باشد. مثنوی مرثیه‌گویای تقدم زمانی میرزا ملال بر نام آوران عرصه مثنوی سرایی عاشورایی همچون میرزا نورالله عمان سامانی و صفوی علیشاه اصفهانی است. این پیشگامی باید به صورت مجزا و قابل اعتنا در عرصه ادبیات پویای عاشورایی و آینینی بررسی شود.

#### ۱-۵. کتاب مرثیه

هرچند در دیوان ملال دزگی مرثیه‌ها، سوگ سروده‌ها، نوحه‌ها، قصاید اندوه و اشعار تعزیه‌ای در کنار هم گردآوری و ارائه شده و هیچ‌گونه دسته‌بندی موضوعی و منطقی در این زمینه صورت نپذیرفته است؛ اما قطعاً می‌توان گفت که کتاب مراثی میرزا ملال، کتاب مستقلی است که به حادثه جانسوز، خونین و مانای عاشورای حسینی با توجه به همه عناصر زمانی، مکانی و انسانی پرداخته و از این حیث کتابی است ارزشمند و درخور توجه. البته در آن نام و نشانی از مراثی دیگر حضرات اهل‌بیت<sup>(۴)</sup> هم دیده می‌شود.

#### ۲-۲. منظومه حماسی

در مقدمه دیوان ملال از منظومه‌ای حماسی نام برده شده؛ «منظومه‌ای حماسی به سبک شاهنامه فردوسی که در آن تاریخ اسلام را به نظم کشیده است» (ملال، ۱۳۷۹: ۲۰). از تعداد ادبیات این منظومه حماسی که در بحر متقارب سروده شده است، خبری در دست نیست؛ هرچند به گواه شاهدان، هنوز نسخه‌هایی کامل و ناقص از آن در دست برخی از افراد استان چهارمحال و بختیاری وجود دارد.

#### ۳-۲. شرح لمعه

ظاهرًا مرحوم میرزا احمد ملال علاوه بر عرصه نظم و شاعری، در نگارش و تأليف آثار منتشر هم دستی داشته است. «شاعر خود نیز در علوم متداوله زمان متبحر بوده.

آثار برجای مانده از وی نشان دهنده آشنایی او به تفسیر قرآن و علوم فقهی می‌باشد» (همان: ۱۹). از آثار منتشر وی می‌توان به شرح لمعه اشاره کرد که به صورت خطی بوده و هنوز منتشر نشده است. (همان: ۱۹)

### ۳. ارادت به اهل بیت<sup>(۴)</sup>

حجم زیادی از دیوان ملال را سوگ‌سروده‌ها و ستایش‌های آیینی و مدایح تشکیل می‌دهد. او شاعری است که توانمندی و هنر شاعری خویش را وقف آستان دوست کرده و به همین خاطر، می‌توان او را شاعری آیینی برشمرد. این ویژگی نقطهٔ ثقل کلام و شعر ملال به شمار می‌رود. وی خویشتن را دل باختهٔ امام علی<sup>(۴)</sup> معرفی می‌کند.

واعظ از سلسلهٔ عقل چو بگریخت، ملال!

مکنیش منع که دیوانهٔ ما ه عرب است

(همان: ۳۵)

وی دل‌بستگی و محبت ولایت مدارانهٔ ائمهٔ معصومین<sup>(۴)</sup> را گره‌گشای فتنه‌های خانمان سوز آخرالزمان می‌داند:

ایمن شود ز فتنهٔ آخر زمان، ملال!

هرکس که دل به دوستی هشت و چار بست

(همان: ۲۱۸)

و از خداوند متعال خاضعانه، افروزی مهر و علاقه به پیامبر خاتم، حضرت محمد<sup>(ص)</sup> را برای خویش آرزو می‌کند:

علام مجیدی و حمیدی و حلیمی

لبریز دلم را بکن از مهر پیمبر

(همان: ۱۷۲)

## ۴. پیشگامی در ارائه نگاه عرفانی و عاشقانه به عاشورا

شاید بزرگ‌ترین ویژگی شعری میرزا احمد ملال را باید در اشعار عاشورایی و سوگ‌سروده‌های ماندگار او جست‌جو کرد. حدود هفتاد درصد از دیوان اشعار ملال را مراثی و غمناله‌هایش تشکیل می‌دهند. یکی از ویژگی‌های مرثیه‌های او، داشتن نگاه عرفانی و استفاده از ظرفیت مطالب و رویکردهای عرفانی برای اندیشه‌های عاشورایی و حوادث جان‌سوز روز دهم و نهضت خونین حسینی است.

میرزا ملال در بند نخستین یکی از ترکیب‌بندهاش، نگاهی نو به مخاطب اشعار عاشورایی عرضه می‌کند؛ نگاهی که پیشگامی او را در ارائه نگاه عرفانی و عاشقانه‌اندیش به عاشورا تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که او پیش از صفوی‌علیشاه اصفهانی و میرزا نورالله عمان سامانی به این رویکرد توجه داشته است.

ساقی چه از ازل می‌غم در پیاله کرد

عشقاق را به محنت و ماتم حواله کرد

از انبیا و خیل اولی‌الامر هریکی

لب تربه قدر حوصله از آن پیاله کرد

آن جام را گرفت شه لب‌تشنه از شurf

بنمود نوش در ره حق ترک ناله کرد

هفتاد و دو ذیح نشار طریق دوست

از شیرخوار و نوخط و هشتاد ساله کرد

و در غزل مرثیه‌ای شیوا این رویکرد را به پیشگاه عاشقان تقدیم می‌دارد:

سالک بیدای عشق رهرو کوی بلاست  
 آهوى صحرای عشق بسمل تیغ جفاست  
 بایدش اول قدم از سر و از جان گذشت  
 هرکه به معشوق خود بر سر عهد و وفاست  
 آنکه می از ساغر بزم محبت کشید  
 سینه‌اش آماجگه بر دم تیر جفاست  
 هرکه دم از دوستی زد به منای نگار  
 برة قربانی‌اش اکبر گلگون قباست  
 بر سر هرکس که هست شورز سودای عشق  
 گه سرا او بر نی و گاه به طشت طلاست  
 در صف میدان عشق هرکه به غیر از حسین  
 رفت پشیمان شدو گفت: نه این کار ماست

(همان: ۲۶۲)

## ۵. گریز به کربلا

یکی از ویژگی‌های خاص کلامی ملال در قصاید مدحیه‌اش این است که در عین ستایشگری امام علی<sup>(۴)</sup> و آنجا که عاشقانه به بیان مناقب حضرتش سرگرم است، گریزی به کربلامی زند و غمگنانه آه از نهاد برمی‌کشد و یادی از واقعه کربلامی نماید و عشق و علاقه‌اش به حضرت سیدالشهدا<sup>(۵)</sup> و یاران باوفایش را در کلامش نشان می‌دهد. این قبیل اشعار او را در زمرة اشعار خاص وی باید بشمرد. ملال در ده

چکامه و مسمط از گریزهای عاشقانه استفاده کرده است.

سحر و زید ز دامان دشت باد بهار

شکفته شد گل و خندید غنچه در گلنزار

ز شهر بند بقا در حصار ملک عدم

خزان گریخت چو پا در رکاب کرد بهار

به مدح حیدر صفر امیر خیرگیر

کشیده اند به صف قمیران هزار هزار

ز جان گذشته و خفته به جای پیغمبر

شدند عازم قتلش چو فرقه کفار

ندانم آنکه کجا بودی ای امیر حنین

چو یوسف توبه گرگان کوفه گشت دچار

برادر و پسرش در برابر و نظرش

ز دند غوطه به خون تشنہ کام و بسمل وار

فتاد از دم شمشیر آل بوسفیان

دو دست از تن عباسش از یمین و یسار

(همان: ۹۴)

یا در این مسمط گوید:

گرچه ز مدح تو شد شاد دل من شها

باز شرر زد به جان فصه کرب و بلا

آه از آن دم که شد خامس آل عبا

یکه و تنها روان سوی صف اشقيا

کرد به یک سو نظر آن شه گلگون قبا

دید که یاران همه کرده سرو جان نثار

(همان: ۱۶۹)

## ۶. نگاه تعزیه‌ای

یکی از وجوده روایتگری در برخی اشعار مذهبی و به نوعی نوحه‌های ملال، نگاه تعزیه‌ای است. در این شعرها، شاعر همچون روایتگری ایفای نقش می‌کند که گویی منظومه‌ای قابل قبول و قابل اجرا برای تعزیه خوانی و شبیه خوانی‌ها سروده است. این اشعار ساده و مبتنی بر نظمند و در آن‌ها از مؤلفه‌های شاعرانه همچون صنایع و آرایه‌های ادبی بهره‌کمتری برده است؛ همچنین از عناصر مکانی، شخصیتی و زمانی مرتبط با حادثه خونین عاشورا نیز استفاده می‌کند.

ای زاده سعد بی بصیرت

ای ننگ عرب چه شد حمیت؟

هرچند ز مردمی بوی دور

هستی ز شراب کفر مخمور

من زنده و لشکر شقاوت

تازند به خیمه بهر غارت

گر با من تشنه کار دارید

رو سوی حرم سرا میارید

(همان: ۲۲۹)

پس آن نهنج بحر فتوت به صد شتاب

از دجله و فرات برون شد، نخورد آب

(همان: ۲۲۸)

## ۷. شناختنامه ارادت ملال

بهترین راه کسب آگاهی از اندیشه، باور و شناختنامه میرزا ملال را باید اشعار شورانگیز و مراثی جان سوز وی دانست. او در شعرش عاشقانه به ریسمان محبت آل الله چنگ می زند:

علام مجیدی و حمیدی و حلیمی

لبریز دلم را بکن از مهر پیمبر

(همان: ۱۷۲)

ایمن شود ز فتنه آخر زمان ملال!

هر کس که دل به دوستی هشت و چار بست

(همان: ۲۱۸)

از روز رستخیز چه غم داری ای ملال

دست من است و دامن ذریه رسول

(همان: ۷۵)

چون شد ملال نوحه گر اهل بیت تو

او را منه به فتنه ایام ای پدر

(همان: ۲۱۸)

وی مدحت و ستایش عترت آل طه را دولت عظامی خویش می‌داند:

بکن نطق مرا گویا به مدح عترت طاها  
ز من این دولت عظاماً مگیر ای فاتح خیر  
(همان: ۲۸۵)

او عاشقانه به ستایشگری مولا و مقتداًیش افتخار می‌کند:

مقصد اصلی مرا از می بود حبّ علی  
آن که باشد مصطفی را جانشین و جان نشار  
من کجا و مدح او چون گفته در شائش خدا  
لا فتنی الا علی لا سيف الا ذوالقار

(همان: ۲۷۴)

یا در مسمطی در مدح امام علی<sup>(۴)</sup>، با مقدمه‌ای خواندنی، اندیشه‌هایش را به مخاطب عرضه می‌کند:

گرفت آهوي فلك دوباره بره در برا  
چمن چولعتان چين ز سبزه كرد معجرا  
کشيد بر سر خزان شه بهار لشكرا  
به عزم آن که تا دهد به خصم سفله کيفرا  
نموده و نهاده او ز حزم بر تن و سرا  
ز حلقه‌های سنبل و شکوفه درع و مغفرا  
گريست ابر آذري به مرگ دي چو در چمن  
به صدنشاط غنچه را به خنده باز شد دهن

ز گاوچشم و بس دین ز پیل‌گوش و نسترن

ز افحوان و ضیمران ز ارغوان و یاسمن

چه بلبل و چه قمری و چه طوطی شکرشکن

زندن صف به گلستان ز اینما ز ایسرا

و در گریزی عاشقانه به میخانه در آشنایان مهرورز ورود پیدامی کند و به مدح  
علی<sup>(۴)</sup> می‌پردازد.

از آن مئی که بی خبر نموده اهل حال را

نهاده جملگی ز سر هوای قیل و قال را

نموده سربه سر برون ز ملک دل خیال را

شدند طالب از وفا به نقد جان وصال را

بیا و دستگیر شو به جرعه‌ای ملال را

که بر سر شفرون کند خمار عشق حیدرا

(همان: ۱۲۸)

شعر و مرثیه‌های جانگداز ملال، نمایانگر پنجاه سال سوگواری او بر عزای اما  
حسین<sup>(۴)</sup> است. سوگ سروده‌هایی که با تمام وجود غمگناه، فریاد اندوهی غریبانه  
در طول تاریخند.

شها غم حسین تو درید پرده دلم

سرشته گشته از ازل به ذکر ماتمش گلمن

به غیرگریه در غمش به دهر نیست حاصلم

مصطفّر است کربلا همیشه در مقابلم

(همان: ۱۵۵)

آنگونه که درباره‌اش گفته‌اند، انتخاب تخلص «ملال» به واسطه علاقه و عشق مفرط به حسین بن علی<sup>(۴)</sup> و تأثیر شگرفی است که مصائب آن امام همام بر قلب و روح او داشته که این خود نشان دهنده ملال خاطرا او از رنج‌های واردہ بر امام حسین<sup>(۴)</sup> و خاندان وفادار است. این عشق و علاقه و ارادت به حضرت سیدالشهدا<sup>(۴)</sup>، با تاروپود وجود و شعر میرزا ملال درآمیخته و به انحصار مختلف در میان اشعار و سوگ‌سروده‌های او بروز و ظهور یافته است.

از غم آل نبی ملال جگرخون  
کار به شادی روزگار ندارد

(همان: ۲۰۸)

ملال! از این مصیبت آه و زاری  
بکن تا فرصتی امروز داری

(همان: ۲۱۱)

وی خویش را در همه زمان‌ها و مکان‌ها، عزادار و نوحه‌خوان عاشورایی می‌داند و معرفی می‌کند:

بهار و عید نوروز است و یاران جمله در عشرت  
من از غم منزل اندر گوشة بیت الحزن دارم

(همان: ۲۰۹)

ملال از بس که نالید از غم اولاد پیغمبر  
بهار غم رسید، ای چشم یک دم فکر طوفان کن

(همان: ۲۲۰)

از غم آل نبی ملال جگرخون

کار به شادی روزگار ندارد

(همان: ۲۰۸)

ملال در اقامه عزای حسینی خویش را تنها نمی‌داند و همگان را دخیل این عزاداری  
درمی‌یابد:

بیابنشین ملال! از این مصیبت یک زمان ساکت

که آهت سوخت قلب ساکنان عرش اعلارا

(همان: ۲۱۷)

بس کن ملال! نوحه کزاین نظم سوزناک

از بام سدره ناله پیرو جوان گذشت

(همان: ۲۱۷)

از ذکر ماتم شه لب تشنگان ملال

انشا نکرده خامه و دفتر گریسته

(همان: ۱۹۴)

او عمری دراز را به مداعی خاندان عصمت و طهارت مشغول بوده و از غمی غریب  
دم زده است. او نجواگر سوگ سروده‌هایی حماسی و غمگنانه بوده و آن را حلابت جان  
و دل خویش می‌داند:

ذکر مصیبت شه لب تشهنه بر ملال

صد ره خوش است از شکر و شیر ای فلک

(همان: ۱۲۴)

در این ماتم ز سوز دل شب و روز و گه و بی گه

ملال ناتوان با دیده خونبار می گرید

(همان: ۱۸۵)

وی خویش را منحصر به بندگی و نوکری خاندان پیغمبر می داند:

سر خط نوحه سرایی شه تشنۀ ملال

به کف از مرحمت خالق یکتا دارم

(همان: ۲۴۰)

ملال! چون در این گلشن ندیدم غنچه خندان

بگریم به ر شاه تشنۀ تا جان در بدن دارم

(همان: ۲۰۹)

ملال در این دنیا و در عقبا به مرحمت الهی و لطف بی پایان حضرت ارباب بی کفن

امیدوار است:

از روز رستخیز چه غم داری ای ملال

دست تن است و دامن ذریه رسول

(همان: ۷۵)

زنگنای لحد ای ملال نیست ملال

اگر به داد رسد لطف عام شاه شهیدم

(همان: ۲۰۸)

واز خداوند متعال گرم زبانی را در راه عرض ارادت به سید و سالار شهیدان مسئلت

می دارد:

عفو جرم من شرمنده ز رحمانی کن

نظم از ذکر حسین گرم سخندانی کن

(همان: ۱۷۱)

او مداعی و ستایش‌پیشگی خاندان عصمت و طهارت<sup>(۴)</sup> را رزق و روزی حق  
می‌داند که می‌تواند به شمول رحمت الهی منتهی شود:

ز بس خون در دل از داغ شهید کربلا دارم

رگ ابر بهارم گریه‌هایی بر ملا دارم

ملال! ار در دو عالم من سیه روی و گنهکارم

چه مداعی حسینم، چشم رحمت از خدا دارم

(همان: ۲۱۳)

که گمان داشت که با یک دو جهان جرم ملال

قابل بندگی آل پیمبر گردد

هر که زد دست به دامان حسین همچو ملال

لطف حق شامل او در صف محشر گردد

(همان: ۲۰۹)

ملال از ناامیدی در صف هنگامه محشر

به لطف شاه مظلومان بود امیدوار امشب

(همان: ۱۸۹)

میرزا احمد ملال با ذکر مصیبت حضرت سیدالشهدا<sup>(۴)</sup> دمخور و دمساز بوده و با  
تمام وجود با آن عجین شده و از نظم گریه خیز خویش خونابه‌ها روان ساخته است:

### نظر کن یا حسین از لطف سویم

که اندر تعزیت خوانی ملالم

(همان: ۲۳۸)

بس کن ملال نوحه که از چشم جن و انس  
خوناب دل روان شد از این نظم گریه خیز

(همان: ۱۹۸)

ملال از بس که نالد زین عزاروز و شب از آهش  
به پا بزم عزا در نه رواق هفت منظر شد

(همان: ۲۲۴)

ملال خلوتی عارفانه با حضرت ارباب بی کفن دارد و با امام حسین<sup>ع</sup> غمگنانه  
سخن می گوید و از هول روزهای ناشناخته پیش روی، سخن به میان می آورد:

دریاب حسین دم مردن ملال را

کو همچونی همیشه بنالد برای تو

(همان: ۱۲۶)

یکی دیگر از جلوه های خواندنی شعر میرزا احمد ملال، حضور ساده و غریبانه  
عشق ورزی او با امام غریب، امام رضا<sup>ع</sup> است:

نه هر غریب است ای مسلمانان

رضاست آن که غریب است غمگسار غریب

ملال گریه کند بر رضا غریبانه

چراکه بود به هنگام احتضار غریب

(همان: ۲۱۷)

مرتضی خوی و حسن خلق و حسینی سیرت

عابدین تقویت از تقوی و باقر خلقت  
مظهر ذات خداوندی و جعفررتبت  
هشتمین قبله چون قبله هفتم کردار  
(همان: ۱۷۰)

#### ۸. نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات و درون‌مايه‌های ارزشمند شعر فارسی، پرداختن به آموشهای اندیشه‌های آیینی بوده که برترین آن‌ها اشعار عاشورایی است. از روزگار کسایی مروزی در قرن چهارم تا دوران معاصر، شاعران فارسی زبان در قالب‌های مختلف شعری بدان پرداخته‌اند. یکی از این شاعران کمتر شناخته شده و گمنام، میرزا احمد ملال دزکی، شاعر قرن ۱۲ و ۱۳ هجری قمری است که در حوزه ادبیات آیینی و عاشورایی با عشق وارداتی مثال‌زدنی، توان شعری اش را به منصبه ظهرور رسانده است. میرزا احمد شاعری است که می‌توان او را از پیشگامان نگاه عرفانی به نهضت عاشورا برشمرد که پیش از عمان سامانی و صفوی علیشاه اصفهانی در این عرصه قلم زده و توان خویش را نشان داده است؛ هرچند این اندیشه‌ او در مراحل نخستین و در گام‌های بعدی تکامل می‌یابد.

## منابع

۱. بنی طالبی دهکردی، احمد (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر شناخت شهرکرد. تهران: آزاد مهر.
۲. شایان، علی‌رحم (۱۳۷۸). پارسی سرایان بنام ایران. ج ۲. چ ۲. فرخ شهر: جهان‌بین.
۳. عمان سامانی، نورالله (۱۳۸۷). مخزن الدرر. به کوشش فریدون حداد سامانی. سامان: عمان سامانی.
۴. ملال دزکی، میرزا احمد (۱۳۷۸). دوازده بند. به کوشش علی‌رحم شایان. چ ۲. فرخ شهر: جهان‌بین.
۵. ————— (۱۳۷۹). دیوان اشعار. به کوشش مصطفی ملالی دزکی. اصفهان: گلبن.
۶. نظامی عروضی (۱۳۶۹). چهارمقاله. به کوشش محمد معین. چ ۱۰. تهران: امیرکبیر.